

## عوامل مؤثر بر ترس زنان از جرم در فضای شهری

طاها عشایری<sup>۱</sup>، الهام عباسی<sup>۲</sup>، علیرضا نطقی<sup>۳</sup>، محدثه آخوندزاده آرانلی<sup>۴</sup>، رضمانعلی نوری<sup>۵</sup>

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۱/۲۰

### چکیده

**زمینه و هدف:** ترس از جرم در مطالعات اجتماعی، مفهومی نوپا بوده و رویکردهای نظری متنوعی برای تبیین آن پدید آمده است. پژوهش‌های انجام‌شده نشان داده‌اند که زنان در مقایسه با مردان، ترس از جرم را بیشتر تجربه می‌کنند. این پژوهش عوامل مؤثر بر ترس از جرم زنان را در مشکین شهر بررسی کرده است.

**روش:** پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا پیمایشی است. جامعه پژوهش را زنان ۱۸ تا ۶۵ ساله ساکن مشکین شهر تشکیل داده‌اند که برابر با ۵۰۰ نفر هستند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۷۳ نفر تعیین و با شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با کمک پرسش‌نامه روا و پایا (آلفای ۰/۶۸ تا ۰/۷۵ برای ابعاد مختلف) جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار «اس.پی.اس.اس» و آزمون‌های همبستگی اسپیرمن و رگرسیون چندگانه تحلیل شدند.

**یافته‌ها و نتایج:** پژوهش نشان داد میزان ترس از جرم زنان در سطح نسبتاً بالایی قرار دارد و متغیرهای احساس بی‌قدرتی، طرد اجتماعی، ضعف پیوند اجتماعی، توانایی دفاع از خود، زوال احساس امنیت اجتماعی، تجربه بزه‌دیدگی، فروپاشی اخلاقی جامعه، بی‌نزاکتی اجتماعی و اعتماد اجتماعی بر ترس زنان از جرم تأثیرگذار است.

### کلیدواژه‌ها:

زنان، فضای شهری، ترس از جرم، بی‌سازمانی اجتماعی، امنیت

۱. دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول)، رایانامه:

t.ashayeri@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی و مربی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور تهران.

۳. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد تهران.

۴. کارشناس ارشد حقوق گرایش فقه و حقوق جزا دانشگاه دامغان.

۵. کارشناس ارشد علوم اجتماعی و دبیر آموزش و پژوهش شهر مشهد.

## مقدمه

احساس امنیت و نگرانی از وقوع جرم، جزئی از مسائل اجتماعی است (بانیستر و فیف<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱). امنیت اجتماعی شرط اساسی برای ارتقاء رفاه اجتماعی است. یکی از اقشار آسیب پذیر در برابر ناامنی اجتماعی، زنان جامعه هستند (احدنژاد روش تر، غلامحسینی و شاهرخزاد، ۱۳۹۴: ۱). «مازلو»<sup>۲</sup> در سلسله مراتب نیازها، احساس امنیت را پس از ارضای نیازهای اولیه قرار می دهد (کاهه<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵). ترس از قربانی جرائم شدن در بین زنان از موضوعات جامعه شناسی انحرافات است، زیرا ترس از جرم، قربانیان خود را به لحاظ اجتماعی و فرهنگی تحت تأثیر قرار می دهد (دنا<sup>۴</sup>، ۱۹۸۸: ۲). احساس امنیت زنان، زمینه ساز پویایی آن ها در عرصه های مدنی، مدیریتی و اجتماعی است و منجر به مشارکت فعال در عرصه اجتماعی می شود (روزان، ۲۰۰۵: ۷۶). در علم جامعه شناسی، ترس زنان از جرم، وابسته به وضعیت فضای شهری است، به این معنی که ساختار شهری، کیفیت محلات، از بین رفتن اخلاق مدنی و فقدان سازوکارهای بازدارنده، زمینه ترس از جرم را بیشتر می کند. معمولاً آن ها از مزاحمت های خیابانی، زیاد در هراس هستند. مزاحمت های خیابانی عرصه عمومی برای زنان را به محیطی ناامن تبدیل می کند (باومن<sup>۵</sup>، ۱۹۹۳: ۵۱۹). ترس، آشکارترین واکنش اجتماعی به جرم است. ترس می تواند شامل اجتناب از اجتماع یا دوری از عوامل تهدید کننده باشد (احمدی و عربی، ۱۳۹۲: ۳۷). ترس از جرم همان احساس ناامنی است که فرد در پاسخ به نشانه های بی نظمی و عدم کنترل در جامعه آن را تجربه می کند (هینکل<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹: ۷۴). ترس از جرم، مفهومی انتزاعی و وابسته به برداشت افراد بوده و برای سنجش ذاتاً مشکل است (گارفالو و لوب<sup>۷</sup>، ۱۹۷۸: ۸۴۱). نظر سنجی از

- 
1. Bannister & Fyfe
  2. Maslow.
  3. Kahe
  4. Dana.
  5. Bowman
  6. Hinkle
  7. Garofalo-&Laub

قربانیان تنها راه ارزیابی میزان و اثرات ترس است (گودی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵: ۵۱). مسئله جنسیت بر روی ترس از جرم اثرگذار است (فرورو<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵؛ رید و کونارد<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴)، به این معنی که زنان و مردان، برداشت متفاوتی از ترس از جرم دارند، این امر به غیر از امر بیولوژیکی و جسمی، به فرهنگ آن جامعه نیز بستگی دارد. جوامع سنتی و مردم سالار که زنان به عنوان جنس دوم تلقی می‌شوند، معمولاً فرایند جامعه‌پذیری و ساختار جامعه، از آن‌ها موجودی منفعل ساخته و همین امر آن‌ها را در برابر جرائم، بی‌دفاع و آسیب‌پذیر ساخته است (عشایری و عجمی، ۱۳۹۳). زنان از مکان‌های عمومی به شدت هراسناک هستند و در خیابان و مکان‌های عمومی، سعی در حفظ فاصله فیزیکی خود با دیگران دارند تا کمتر استرس قربانی شدن را داشته باشند، زیرا ماهیت آزار و اذیت باعث ایجاد احساس حقارت و طرد اجتماعی آن‌ها می‌شود (ماسون<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴). زنان آزارهای جنسی را توهین‌آمیز و هراس‌انگیز می‌دانند. واکنش آن‌ها به این امر در فضای عمومی با سکوت، خشم آشکار و مقاومت در برابر آن همراه است (پین<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷: ۲۱۵). ترس از جرم زنان عمدتاً به خاطر ترس از تهدید فیزیکی و جنسی توسط مردان غریبه است (کلی<sup>۶</sup>، ۱۹۸۸؛ استنکو<sup>۷</sup>، ۱۹۹۰؛ مدریز<sup>۸</sup>، ۱۹۹۷). زنان توان جسمانی کمتری در دفاع از خود دارند. دلیل بعدی ترس از جرم زنان، عاطفی بودن آن‌ها است (عبداللهی و یوسفی مراغه، ۱۳۹۱: ۱۵۷). زنان از انگ کج‌رو و از اینکه در اجتماع بدنام شوند، هراس زیادی دارند، زیرا قربانی شدن برای آن‌ها، امری است که آبروی اجتماعی و منزلت آن‌ها را به خطر می‌اندازد. در جوامعی که نگرش متفاوت و نابرابر به زنان و مردان وجود دارد، در میان اعضای جامعه این تصور وجود دارد

1. Goodey
2. Ferraro
3. Reid & Konrad
4. Mason.
5. Pain
6. Kelly
7. Stanko
8. Madriz

که مردان جنس برتر و قوی تر و زنان موجوداتی ضعیف تر هستند و همواره نیازمند نظارت، حمایت و کنترل از سوی مردان هستند (فسایی و میرحسینی، ۱۳۸۸: ۱۴۴)؛ این چنین نگرشی، آن ها را در برابر آسیب های اجتماعی، بی قدرت می کند. معمولاً زنان بیشتر از مردان گرایش به حمل یک سازوکار دفاعی با خود دارند (دیزن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱)، زیرا ترس زنان بیشتر متأثر از مناسبت های جنسیتی، نظیر حاشیه ای بودن، فرودستی منزلتی در فضای اجتماعی (فسایی و میرحسینی، ۱۳۸۸: ۱۳۱) و نبود احساس امنیت عمیق از سوی آن ها است. پس بیشتر پژوهش ها به دنبال این هستند که چرا زنان نسبت به مردان، ترس از جرم بیشتری را تجربه می کنند (رید و کونارد<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴) و به این اشاره می کنند که ضعف جسمانی، آسیب پذیری فیزیکی و فقدان توانایی دفاعی بدنی، از دلایل ترس از جرم زنان محسوب می شود (بومر<sup>۳</sup>، ۱۹۷۸؛ هیندلنگ، گوتفردسون و گروفالو<sup>۴</sup>، ۱۹۷۸؛ کین<sup>۵</sup>، ۱۹۹۵؛ پارکر و ری<sup>۶</sup>، ۱۹۹۰). با توجه به مباحث یادشده، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی میزان ترس از جرم زنان در فضای شهری و عوامل مؤثر بر آن است.

**پیشینه پژوهش:** فسایی و میرحسینی (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان تحلیل جامعه شناختی ترس از جرم در میان زنان شهر تهران دریافتند که ترس امری پیچیده است که در فرایند زندگی اجتماعی و درک زنان از روابط و مناسبات قدرت جنسیتی شکل یافته و به صورت جدایی گزینی نمایان می شود. بر این اساس، نوع جامعه پذیری، تجربه خشونت، ترس از تجاوز جنسی، معماری و طراحی مردانه شهرها، حمایت قانونی، ترس از برچسب خوردن و مهاجرت، بارداری، غریبگی، بیماری و معلولیت علل اصلی ترس از جرم زنان است. احمدی، سروش و افراسیابی (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان ترس از جرم در مناطق جرم

- 
1. Deason.
  2. Reid & Konrad.
  3. Baumer
  4. Hindelang, Gottfredson & Garofalo.
  5. Keane
  6. Parker & Ray

خیز شهر شیراز نشان دادند که تنها متغیر بی‌نظمی محله‌ای به‌صورت مشترک در مردان و زنان رابطه معنی‌داری با ترس از جرم دارد. از میان سایر متغیرها ترس از جرم زنان با متغیرهای پیوند محله‌ای، رضایت از پلیس، سن و نوع مسکن و در مردان با متغیر تعلق خاطر به محله، مدت اقامت در محله و ناهمگونی قومیتی رابطه معنی‌داری داشت. ربانی و همتی (۱۳۸۷)، در پژوهشی با عنوان تبیین جامعه‌شناختی ترس از جرم در بین شهروندان زنجان، به این نتیجه رسیده‌اند که احساس ناامنی زنان با احساس قربانی شدن آنان رابطه مستقیمی دارد. همچنین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و احساس ناامنی زنان همبستگی منفی وجود داشت؛ به‌عبارت‌دیگر استفاده بیشتر از رسانه‌ها سبب کاهش ترس از جرم آنان شده بود. عسگری و زنجان‌زاده اعزازی (۱۳۸۷) در بررسی‌های خود با عنوان علت و پیامدهای ترس از جرم در بین زنان استان هرمزگان، نشان دادند که تجربه ناامنی از سوی فرد/خانواده و دوستان، روشنی‌کوچه‌ها و گذرگاه و حضور پلیس نقش مهمی را در ادراک زنان از ترس از جرم داشته‌اند. علی‌خواه و ربیعی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان زنان و ترس از جرم در فضای شهری در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، نشان دادند که حدود ۴۸ درصد زنان در حد زیاد، ۳۳ درصد در حد متوسط و ۱۹ درصد در حد کم در فضای شهری نسبت به تهدید جرائم دچار ترس و واکنش‌اند. به‌بیان‌دیگر حدود نیمی از زنان هنگام تردد در شهر احساس امنیت ندارند. در بین زنان تحصیل‌کرده و دارای درآمد بالا، زنانی که در محله آن‌ها ساختمان‌ها و زمین‌های متروکه کمتر بوده و زنانی که از فعالیت‌های پلیس رضایت بیشتری داشتند میزان ترس از جرم کمتر بوده است. استانکو<sup>۱</sup> (۲۱۰۴)، در پژوهشی با عنوان جنسیت، ترس و ریسک، به این نتیجه رسید که یکی از موضوعات مهم امروز، متفاوت جلوه شدن ترس از جرم در بین زنان و مردان است. زنان به‌طور ذاتی از اینکه قربانی دیگران شوند، در هراس و اضطراب‌اند که باعث به‌مخاطره افتادن آن در جامعه شده است. ریشه این ترس در برخورد با والدین، آشنایان، مشتری‌ها، همکاران و سایر خشونت‌های

---

1. Stanko.

خانگی و بیرونی صورت می‌گیرد. روشنایی کافی، حمل‌ونقل مناسب، مراقبت‌های کافی کودکانی، منزلت تحصیلی، خانه امن، روابط اجتماعی سالم در ترس از جرم تأثیر دارد. هیلین سکی، پنتکوست، کیندسی و هیزر<sup>۱</sup> (۲۰۱۱)، در مطالعه خود با عنوان بررسی ترس از جرم در بین زنان، نشان دادند که زنان میزان قابل توجه زیادی از ترس را در مقایسه با مردان به خود اختصاص می‌دهند. یافته‌ها نشان می‌دهد که تجربه بزه‌دیدگی زنان، تجاوز جنسی، ترس از سرقت و دزدی، تصور یا برداشت از جرم، قربانی شدن، آسیب‌پذیری عاطفی و فیزیکی زنان زمینه ترس از جرم بیشتر در بین زنان است. استانکو (۱۹۹۰)، در پژوهشی با عنوان خشونت روزمره: برداشت متفاوت زنان و مردان از خشونت جسمی و فیزیکی، نشان داد که ترس از وقوع جرم در زنان برابر مردان است. رینوی و لاوری<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان بحران اقتصادی، پنداشت بی‌نظمی و ترس از جرم زنان، به گوناگونی نیازها و نگرانی‌های زنان در خانواده‌های طبقات پایین اشاره می‌کنند که این دغدغه و عدم امنیت در مادران منجر به عصبیت، افسردگی و بی‌خوابی و اختلال اجتماعی بیشتری می‌شود و حتی جدال را بین همسران ایجاد می‌کند.

**نوآوری پژوهش حاضر:** ترس از جرم امری اجتماعی است که در پژوهش‌های صورت گرفته، بیشتر با رویکرد روان‌شناختی و بیولوژیکی مورد بحث و بررسی قرار گرفته، اما پژوهش حاضر رویکردی جامعه‌شناختی به امر ترس از جرم در بین زنان دارد. همچنین پژوهشی با این عنوان در جامعه مورد مطالعه صورت پذیرفته است. در نهایت استفاده از متغیرهای جامع و متناسب با ساختار فرهنگی - اجتماعی مکان مورد بررسی، از نقطه تمایز اصلی محسوب می‌شود.

**ترس از جرم:** ترس به معنای خوف و بیم (دهخدا، ۱۳۴۱: ۵۷۱) و هراس (معین، ۱۳۸۱: ۲۸۹) است. ترس از جرم واکنشی احساسی است که با دو ویژگی وحشت و دلهره نسبت

---

1. Hilinski, Pentecost, Kindsey & Heather  
2. Reno & Lavery

به جرم و یا نمادهای آن مرتبط است (دوندر، وارتر و مسلیز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵: ۵). ترس از جرم به معنای داشتن هراس، اضطراب و احساس ناامنی نسبت به قربانی شدن در محیط اجتماعی است (نیازی، نصرآبادی و عشایری، ۱۳۹۵).

**اعتماد اجتماعی و ترس از جرم:** اعتماد شالوده زندگی و بی‌اعتمادی سرچشمه نارضایتی، بی‌ثباتی، بی‌تفاوتی و رواج دروغ و نادرستی در جامعه است. در جامعه‌ای که اعتماد در حد مطلوب وجود دارد، نظارت اجتماعی بیشتر براساس درک و همدلی است تا احساس بیم و ترس. مسئله اعتماد و امنیت عوامل مهمی در تعیین نظم اجتماعی هستند (لرنی، ۱۳۸۴: ۶۹). احساس اضطراب و ناامنی، صرف مبالغ‌هنگفت برای جلوگیری از قربانی جرم شدن، تحرک جغرافیایی و جنب‌وجوش کمتر، بی‌اعتمادی به دیگران، رشد شایعات شهری، قوت گرفتن کلیشه‌های ذهنی درباره گروه‌های اجتماعی و تمایل به شیطانی جلوه دادن دیگران، از جمله هزینه‌های روانی، اجتماعی و اقتصادی افزایش ترس از جرم در جامعه است.

**احساس امنیت و ترس از جرم:** امنیت در مفهوم عینی آن اندازه‌گیری فقدان تهدید علیه ارزش‌ها و در مفهوم ذهنی به فقدان احساس ترس از اینکه چنین ارزش‌هایی موردحمله قرار خواهد گرفت، اشاره دارد. جامعه جدید شهری، تراکم و تکثر جمعیت درون آن، همراه با تحرک بی‌سابقه جغرافیایی، در نتیجه رشد و گسترش فردیت‌گرایی، موجب تنهایی، غربت انسان‌ها و در انتها کاهش امنیت فکری، روانی را فراهم ساخته است (ساروخانی و نویدنیا، ۱۳۸۵: ۹۱). مواردی از جمله نابرابری اجتماعی، میزان سرمایه اجتماعی در دسترس، مشارکت، پایداری به ارزش‌های مشترک، اعتماد اجتماعی و عوامل زمینه‌ای مثل جنسیت، سن و نوع خانواده در احساس امنیت تأثیر دارد (میری آشتیانی، ۱۳۸۳).

**فضای بدون دفاع شهری و هراس اجتماعی:** فضای بی دفاع شهری، نبود نظارت اجتماعی، بی سازمانی اجتماعی، ناهمگونی قومی و نژادی، وجود ساختمان های متروکه، محلات دارای خرده فرهنگ، شیوع نزاع و درگیری و سایر جرائم خشن را دلیل اصلی ترس از جرم زنان ذکر می کنند (طاهرخانی، ۱۳۸۱: ۳۲). زنان در این گونه فضا در مقایسه مردان، نمی توانند به دلایل فرهنگی، اجتماعی و جسمانی در برابر جرائم از خود دفاع کنند. در جامعه، فضاهای بدون دفاع شهری یا فضاهای شهری که نسبت به سایر فضاها، قابلیت بیشتری برای وقوع جرائم و تخلفات و اعمال نابهنجار دارند، موجبات کاهش امنیت اجتماعی زنان را فراهم می آورند (احمدی و اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۱۷۸). شمار زیاد جمعیت تراکم بالا و ناهمگونی قومی و نژادی در مناطق شهری، روابط انسانی سطحی و گذرا تولید می کنند (مالمیر، ۱۳۸۸: ۱۶۱). علت اصلی ظهور ترس از جرم بی تفاوتی مدنی در بین اجتماع است. با زوال فیزیکی، مهاجرت ساکنان و غیبت پیوندهای عاطفی - محلی، شهروندان نسبت به وقایع اجتماعی و جرائم احساس بی تفاوتی می کنند که این خود زمینه ساز، ظهور ترس از جرم دیگری است. به زعم «شاو و مکی»<sup>۱</sup>، منطقه گذار با زوال فیزیکی، خانه های ضعیف، خانواده های ناقص و درهم شکسته و جمعیت ناپایدار و ناهمگن مشخص می شود. تمام این شکل های انحراف و بی قانونی، پیامد بی سازمانی اجتماعی هستند (سلرز و آکرز<sup>۲</sup>، ۱۳۹۰: ۱۱۷). طراحی شهری و کیفیت فضا و مکان عنصر مؤثر در پیشگیری از وقوع جرم است (فاستر، گیلز و کیومن<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰: ۱۱۷).

**جنسیت و جرم:** نظریه آسیب پذیری، ادراک افراد از میزان آسیب پذیری در قربانی شدن را عامل اصلی می داند (فرگوسن و میندل<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷). مطابق رویکرد آسیب پذیری، آسیب پذیری جنسی و جنسیتی دربردارنده میزان آسیب پذیری جسمی و اجتماعی زنان

- 
1. shaw & Mc Kay.
  2. Selers & Ukerse.
  3. Foster, Giles & Knuiman,.
  4. Mindel & Ferguson.



نسبت به مردان است که به عنوان علت ترس زنان از جرم شناخته شده است. بر این اساس هرچه افراد توانایی کمتری برای محافظت و کنترل خود داشته باشند، بیشتر از جرم در هراس‌اند. در این رویکرد افزایش سن، عاملی مهم در افزایش ترس از جرم بشمار می‌رود، چراکه سالخوردگان توانایی کمتری برای حفاظت از خود دارند. در این رویکرد توان مالی و تحصیلات موجب کاهش ترس می‌شود؛ زیرا افراد متمول و تحصیل کرده راه‌های بهتر و مناسب‌تری را برای محافظت از خود برمی‌گزینند و بدین جهت نیز از میزان ترس آن‌ها کاسته خواهد شد. همچنین انزوای اجتماعی نیز در افزایش ترس از جرم نقش مؤثری دارد (فسایی و میرحسینی، ۱۳۸۸: ۱۳۳). در هر جامعه‌ای، زنان در روندهای معمول بیشتر از مردان هراسناک هستند. زنان از اینکه تنها در خانه بمانند یا اینکه شب‌ها تنها در محله خود قدم بزنند هراسناک‌تر از مردانند. زنان بیشتر از مردان خطر و ترس از جرم و جنایت و احساس ناامنی را درک می‌کنند. زنان تمایل دارند تا سطح بالاتری از ترس را گزارش کنند ولی مردان سعی بر بزرگ نشان دادن خطر قربانی شدن را دارند. بیشتر قربانیان آزار جنسی، زنان هستند. به این علت که اولاً در بیشتر فرهنگ‌ها، مردان جسورتر، پرمدع‌تر و گستاخ‌ترند و زنان را نه برحسب انسان بودنشان بلکه برحسب جنسشان تعریف می‌کنند. به همین دلیل، ارتباط متقابل اجتماعی زنان و مردان در محیط کار، دانشگاه و دیگر مکان‌های عمومی می‌تواند لحنی جنسی به خود بگیرد و دوم اینکه، بیشتر افرادی که در موقعیت قدرت هستند مردانند که بر کار زنان نظارت کرده و آن‌ها را سرپرستی می‌کنند (عضدانلو، ۱۳۹۲: ۱۵). در ترس از جرم، نژاد، سن، جنسیت و تحصیلات، آگاهی شهروندان از بی‌نظمی، بی‌نظمی در ساختار محله‌ای و انسجام اجتماعی در ترس از جرم تأثیر دارد. درک مردان از قدرت فیزیکی خود به آن‌ها کمک می‌کند تا به موقعیت‌های ترس‌زا با دید مثبت‌تری نزدیک شوند. همچنین پدر و مادرها برای فرزندان دختر خود بیشتر نگران هستند تا فرزندان پسر (جفرسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲).

**انسجام مدنی و مقابله با هراس اجتماعی:** از نظر «هیرشی»<sup>۱</sup> کلید اصلی کنترل اجتماعی دل‌بستگی و وابستگی است (عضدانلو، ۱۳۹۲: ۱۱۶). ترس از جرم در کاهش اعتماد افراد نسبت به یکدیگر و در نتیجه کاهش همبستگی‌های اجتماعی نیز مؤثر است (علیوردی نیا و فهیمی، ۱۳۹۳). جرائمی نظیر خیانت در امانت و برخی از انواع کلاه‌برداری، سرقت و تجاوز جنسی که با سوءاستفاده از اعتماد بزه‌دیدگان صورت می‌پذیرد، تأثیر بیشتری در این امر دارد. ترس از چنین جرائمی ضمن کاهش اعتماد عمومی، احسان و کمک به افراد نیازمند را نیز کاهش می‌دهد (پاک‌نهاد، ۱۳۹۲: ۱۶۱). هرچه ارتباطات اجتماعی بین افراد یک اجتماع یا محله وسیع‌تر باشد و آنان بتوانند برای خود شبکه‌ای از روابط بسازند، از این طریق احساس تعلق خاطر به اجتماع شکل خواهد گرفت و این احساس باعث کاهش ترس از جرائم بین آن‌ها خواهد شد. «مری»<sup>۲</sup> دریافت که ساکنانی که فاقد هر نوع پیوند و یا ارتباط اجتماعی بودند ترس بیشتری از جرائم داشتند. برخی فضاهای شهری به گونه‌ای هستند که زمینه‌ای مناسب برای ترس بیشتر را فراهم می‌کنند. خوابیدن بی‌سپرپناهان و معتادان در کنار خیابان و نبود پیاده‌رو در اتوبان‌ها از آن جمله‌اند (علی‌خواه و ربیعی، ۱۳۸۵: ۸۷).

**نظریه زوال اخلاقی دورکیم:** دورکیم، یکی از معیارهای اصلی در عصر مدرنیته را اخلاق می‌داند که شرط پویایی و تداوم اجتماعات است، اخلاق ضمن احترام به فردگرایی، همبستگی با اجتماعات محلی، حفظ پیوندهای مدنی را قوی‌تر می‌کند و این امر نیز زمینه کنترل اجتماعی را افزایش می‌دهد (آزاد ارمکی، ۱۳۹۲). اخلاق‌گرایی، نوعی بازدارندگی در جامعه را تقویت می‌کند (تامپسون<sup>۳</sup>، ۱۳۸۸) که در فقدان آن، انتظار وقوع هر نوع رفتار غیراخلاقی از جامعه می‌رود. به‌زعم دورکیم، اخلاق از وابستگی به یک گروه آغاز می‌شود و بشر تنها از آن‌رو موجودی اخلاقی است که در جامعه زندگی می‌کند؛ زیرا

- 
1. Hirechi
  2. Merry
  3. Thompson

اخلاقیات یعنی همبسته گروه خود بودن (دورکیم، ۱۳۹۲: ۹۳). نظام اخلاقی برای دورکیم به مثابه نظامی از قواعد رفتاری تبلور می‌یابد. دو خصلت مهم قواعد اخلاقی ۱- الزام‌آوری و ۲- مطلوبیت است (سیموس<sup>۱</sup>، ۱۳۸۷: ۱۴۳). با فروپاشی اخلاقی جامعه، پیوندهای اجتماعی از بین می‌رود و آنومی در جامعه فراگیر می‌شود. بروز قتل، خودکشی و ناامنی نشان از فقدان تعهد اخلاقی در جامعه است. لازمه انسجام ارگانیک، فردگرایی اخلاقی است (گیدنز<sup>۲</sup>، ۱۳۸۳: ۹۰). امر اخلاقی سرچشمه همبستگی است و بشر را در مسیری غیر از پیگیری انگیزش‌های خودپرستانه‌اش، هدایت می‌کند. این امر انسان را با انسان‌های دیگر در بطن جامعه پیوند می‌زند و هر قدر این گونه پیوندها بیشتر و نیرومندتر باشد، اخلاقیات استوارتر است (دورکیم، ۱۳۹۲: ۳۵۳). با توجه به دیدگاه‌های نظری در ارتباط ترس از جرم زنان، می‌توان الگوی مفهومی پژوهش را به شرح نمودار ۱ ترسیم کرد.



نمودار ۱. الگوی مفهومی عوامل مؤثر بر ترس از جرم زنان

براساس این الگو، فرضیه‌های پژوهش به این شکل تعریف می‌شوند:

1. Simoise  
2. Giddens.

- ترس از جرم زنان تابعی از احساس بی‌قدرتی، طرد اجتماعی، کاهش پیوند اجتماعی و توانایی دفاع از خود است؛
- ترس از جرم زنان تابعی از سطح تحصیلات، احساس زوال امنیت اجتماعی، تجربه بزه‌دیدگی، فروپاشی اخلاقی جامعه، بی‌نزاکتی اجتماعی و میزان اعتماد اجتماعی است.

### روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا پیمایشی است. جامعه پژوهش را زنان ۱۸ تا ۶۵ ساله ساکن مشکین شهر تشکیل داده‌اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران از جامعه آماری ۵۰۰۰ نفر زن، برابر با ۳۷۳ نفر تعیین و با شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با کمک پرسش‌نامه روا و پایا (آلفای ۰/۶۸ تا ۰/۷۵ برای ابعاد مختلف) جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار «اس.پی.اس.اس» و آزمون‌های همبستگی اسپیرمن و رگرسیون چندگانه تحلیل شدند.

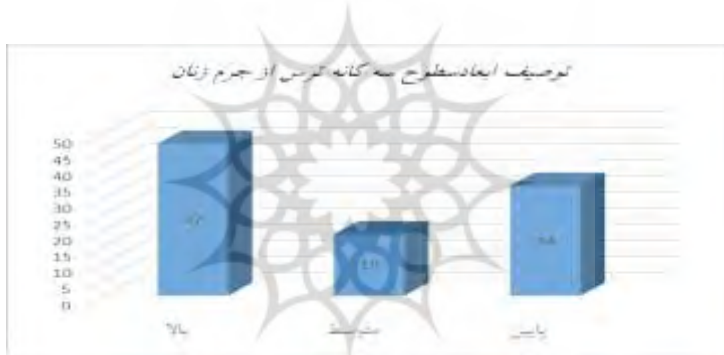
### یافته‌ها

**یافته‌های توصیفی:** یافته‌ها نشان داد که ۶۱ درصد جامعه پژوهش متأهل و ۲۹ درصد مجرد هستند، بیش از نیمی از آن‌ها در سنین ۱۸-۳۰ سال قرار دارند، ۵۷ درصد آن‌ها بی‌سواد یا فاقد تحصیلات دانشگاهی‌اند و درآمد ۸۰ درصد آن‌ها در سطح پایین و متوسط است. ۴۰ درصد جامعه پژوهش حضور و جدیت پلیس را به هنگام مواجهه به جرائم اجتماعی و قربانی شدن نامناسب ارزیابی کرده‌اند و بیشترین هراسشان را از تجاوز جنسی و قربانی سرقه شدن اعلام کرده‌اند. آن‌ها برای مقابله با ترسشان، همراه مردان بودن و تقویت حضور زنان در جامعه را مؤثرتر از سایر عوامل دانسته‌اند.

جدول ۱: وضعیت توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	سطوح متغیر	درصد فراوانی خالص
احساس بی‌قدرتی	کم	۵۴
	متوسط	۲۰
	بالا	۲۶
طرد اجتماعی	کم	۱۷
	متوسط	۲۹
	بالا	۵۴
پیوند اجتماعی	کم	۴۸
	متوسط	۳۰
	بالا	۲۸
توانایی دفاع از خود	کم	۳۳
	متوسط	۲۹
	بالا	۳۸
مشارکت اجتماعی	کم	۲۷
	متوسط	۱۱
	بالا	۶۲
ترس از جرم	کم	۳۴
	متوسط	۱۹
	بالا	۴۷
زوال امنیت اجتماعی	کم	۲۲
	متوسط	۴۴
	بالا	۳۴
تجربه بزه‌دیدگی	کم	۴۰
	متوسط	۱۳
	بالا	۴۷
فروپاشی اخلاقی جامعه	کم	۴۱

۱۷	متوسط	
۴۲	بالا	
۵۱	کم	بی نزاکتی اجتماعی
۳۸	متوسط	
۱۱	بالا	
۴۰	کم	اعتماد اجتماعی
۲۴	متوسط	
۳۶	بالا	



نمودار ۲. وضعیت ترس از جرم در بین زنان بر حسب فراوانی

برای بررسی فرضیه های پژوهش از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن

متغیر	آزمون	مقدار	معناداری
احساس بی قدرتی	اسپیرمن	۰/۲۳۵	۰/۰۰۴
طرد اجتماعی	اسپیرمن	-۰/۴۳۱	۰/۰۰۱
پیوند اجتماعی	اسپیرمن	-۰/۲۶۹	۰/۰۱۰
توانایی دفاع از خود	اسپیرمن	-۰/۲۸۱	۰/۰۰۰
سطح تحصیلات	اسپیرمن	۰/۲۴۵	۰/۴۰۹
زوال امنیت اجتماعی	اسپیرمن	۰/۳۴۱	۰/۰۰۳

۰/۰۰۱	۰/۲۰۵	اسپیرمن	تجربه بزه دیدگی
۰/۰۰۳	۰/۴۰۲	اسپیرمن	فروپاشی اخلاقی جامعه
۰/۰۰۰	۰/۳۳۱	اسپیرمن	بی‌نزاکتی اجتماعی
۰/۰۰۰	-۰/۳۵۴	اسپیرمن	اعتماد اجتماعی

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که:

- بین احساس بی‌قدرتی زنان و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ به این معنا که هرچه زنان احساس بی‌قدرتی بیشتری کنند به همان میزان بیشتر از جرم خواهند ترسید و با کاهش احساس بی‌قدرتی در زنان، به همان میزان ترس از جرم آن‌ها نیز کاسته می‌شود. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر ۰/۲۳۵ است؛
- بین طرد اجتماعی و ترس از جرم رابطه معنی‌دار و معکوسی وجود دارد؛ یعنی هرچه میزان طرد اجتماعی در زنان بیشتر باشد، به همان اندازه خود را در مقابل جرائم اجتماعی آسیب‌پذیر تلقی کرده و دچار هراس خواهند شد. طرد اجتماعی زمینه افزایش ترس از جرم در زنان را با تضعیف روابط اجتماعی و به حاشیه راندن آن‌ها مهیا می‌سازد. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر ۰/۴۳۱- است؛
- بین پیوند اجتماعی و ترس از جرم رابطه معنی‌دار و معکوسی وجود دارد؛ به این معنا که با تضعیف پیوند اجتماعی در زنان، میزان ترس از جرم در آن‌ها نیز افزایش خواهد یافت. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر ۰/۲۶۹- است؛
- بین توانایی دفاع از خود و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ به این معنا که زنان، زمانی ترس از جرم بیشتری را در سطح محلات و جامعه درک خواهند کرد که احساس توانایی دفاع از خود در برابر تهدیدات احتمالی را ندارد و نمی‌توانند به خاطر ضعف جسمانی و شرایط جسمی خود را از اثرات جرم نجات دهند. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر ۰/۲۸۱- است؛
- بین سطح تحصیلات و ترس از جرم در زنان رابطه معنی‌داری وجود ندارد؛

- بین دو متغیر زوال امنیت اجتماعی و ترس از جرم رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد؛ به این معنی وقتی در جامعه زنان احساس کنند که امنیت اجتماعی دچار زوال یا فرسایش شده، زمینه افزایش ترس از جرم نیز ممکن می‌شود. با فروپاشی امنیت اجتماعی و از بین رفتن نظارت‌های خودجوش، انتظامی و مردمی، ترس بیشتری در جامعه فراگیر شده و در این حالت نیز زنان بیشتر دچار ترس خواهند شد. هرچه احساس امنیت اجتماعی، در جامعه بیشتر به همان میزان ترس از جرم زنان نیز کمتر می‌شود. مقدار ضریب همبستگی دو متغیر ۰/۳۴۱ است؛
- بین تجربه بزه‌دیدگی و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ به این معنی که زنانی که قبلاً قربانی جرائم شده‌اند، ترس بیشتری از جرم دارند. زنانی که قبلاً قربانی شدن را مشاهده یا مواردی از قبیل سرقت، دزدی، فحاشی و تجاوز جنسی و... را تجربه کردند، ترس بیشتری را تجربه خواهند کرد؛
- بین فروپاشی اخلاقی جامعه و ترس از جرم زنان رابطه معنی‌داری وجود دارد، پس هرچه فروپاشی اخلاقی در جامعه بیشتر، به همان میزان ترس از جرم نیز بیشتر خواهد شد. با فروپاشی اخلاقی، ضمن تضعیف همبستگی اجتماعی، امنیت جامعه دچار تهدید می‌شود. به‌زعم «دورکیم»، تعهد اخلاقی جامعه و پابندی به اخلاق، زمینه اعتماد بیشتر و احساس امنیت بیشتر را به دنبال خواهد داشت. مقدار ضریب همبستگی دو متغیر در ۰/۴۰۲ است؛
- بین بی‌نزاکتی اجتماعی و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ هرچه بی‌نزاکتی اجتماعی در محیط یا محلات بیشتر باشد، خودبه‌خود ترس از جرم در زنان افزایش خواهد یافت؛
- بین اعتماد اجتماعی و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ به این معنی هرچه اعتماد اجتماعی در جامعه بیشتر به همان اندازه ترس از جرم در زنان کاهش می‌یابد. وقتی اعتماد اجتماعی از جامعه رخت بریندد، با فروپاشی اعتماد اجتماعی، فراگیر



شدن جرم و تضعیف احساس امنیت، زنان دچار ترس بیشتری از خود خواهند شد. مقدار ضریب همبستگی دو متغیر ۰/۳۴۵ است. در جدول ۳ نتایج رگرسیون ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج رگرسیونی پژوهش

متغیر	ضریب تعیین	بتا	مقدار تی	سطح معنی داری
احساس بی قدرتی	۰/۳۴۶	۰/۲۸۱	۵/۴۳۸	۰/۰۰۰
طرد اجتماعی	۰/۴۵۱	۰/۳۳۲	۴/۳۶۱	۰/۰۰۰
پیوند اجتماعی	۰/۶۷۳	۰/۴۷۳	۶/۷۸۱	۰/۰۰۲
توانایی دفاع از خود	۰/۴۲۳	۰/۳۲۷	۵/۳۰۶	۰/۰۰۴
سطح تحصیلات	۰/۲۱۱	۰/۴۹۴	۱/۶۰۱	۰/۶۱۲
زوال امنیت اجتماعی	۰/۳۷۴	۰/۲۴۵	۳/۷۰۳	۰/۰۰۰
تجربه بزه دیدگی	۰/۴۶۴	۰/۳۵۸	۲/۸۴۱	۰/۰۱۲
فروپاشی اخلاقی جامعه	۰/۵۴۷	۰/۴۸۲	۳/۴۰۸	۰/۰۱۴
بی نزاکتی اجتماعی	۰/۳۰۷	۰/۲۹۳	۶/۵۰۱	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی	۰/۰۲۱	۰/۲۶۵	۱/۴۸۷	۰/۱۳۴

یافته‌های آزمون رگرسیون چندگانه اینتر وارد مدل شده، نشان می‌دهند که از بین متغیرهای مستقل، متغیر اعتماد اجتماعی و سطح تحصیلات فاقد تأثیر معنی دار بوده و متغیرهای پیوند اجتماعی (۰/۶۷۳) بیشترین تأثیر و متغیر بی نزاکتی اجتماعی (۰/۳۰) کمترین تأثیر را در الگو داشته‌اند.

نتایج کلی رگرسیون چندگانه در جدول ۴ نیز نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۳۴۹ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۱۹۷ است. به این معنی که مجموع متغیرهای معنادار در الگو توانسته به میزان ۰/۱۹ از تغییرات متغیر وابسته ترس از جرم زنان را پیش‌بینی کنند و ۰/۸۱ آن را متغیرهایی تبیین می‌کنند که در الگو منظور نشده‌اند.

جدول ۴: خلاصه جدول رگرسیونی

شاخص‌های الگوی آماری	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین خالص
مقادیر	۰/۳۴۹	۰/۲۳۸	۰/۱۹۷

## بحث و نتیجه‌گیری

ترس از جرم اشاره به میزان هراس اجتماعی، اضطراب عمومی، دلهره و نگرانی نسبت به قربانی شدن خود، فامیل، فرزندان و خویشاوندان در برابر جرائم اجتماعی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که به دلایل مختلف فرهنگی، سیاسی، امنیتی و انتظامی، زنان بیش از مردان از این مسئله تأثیر می‌پذیرند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که میزان ترس از جرم در بین زنان در سطح نسبتاً بالایی (۴۷ درصد) است. زنان با توجه به فضای مردانه جامعه و عدم فعالیت سمن‌ها و فقدان حضور فعال در مسائل مدنی، هراس بیشتری از جرم و قربانی شدن دارند. احساس بی‌قدرتی در زنان منجر به از خود بیگانگی در زنان شده و هراس آن‌ها در جامعه را افزایش می‌دهد. زمانی زنان احساس کنند، در جامعه چندان قدرتی برای دفاع از حقوق خود، مشارکت و فعالیت اجتماعی ندارند، ضمن انزوای گرایشی و کاهش نشاط اجتماعی، خود را برابر جرائم اجتماعی توانمند تلقی نخواهند کرد، با تقویت و تداوم چنین امری، ترس از جرم در آن‌ها فراگیر خواهد شد. این نتایج با یافته‌های احمدی و عربی (۱۳۹۲)، دانش و علی‌پور (۱۳۹۳)، ربانی و همتی (۱۳۸۷) و بومر<sup>۱</sup> (۱۹۷۸) همخوانی دارد. طرد اجتماعی نیز با ترس از جرم ارتباط تنگاتنگی دارد. طرد اجتماعی، انزوای زنان از شبکه‌های اجتماعی و غیرفعال ساختن آن‌ها از حضور در جامعه مدنی است. وقتی زنان خود را در جامعه طرد یافته تلقی کنند، خود را در برابر جرم و جنایت بی‌دفاع تلقی خواهند کرد. رابطه طرد اجتماعی و ترس از جرم در مطالعات احمدی و عربی (۱۳۸۸)، احمدی و اسماعیلی (۱۳۸۹)، سراج‌زاده و گیلانی (۱۳۸۸)، فرارو<sup>۲</sup> (۱۹۹۹)، فاستر، گیلز و کیومن<sup>۳</sup> (۲۰۱۰)، نیز تأیید شده است. نتایج این پژوهش در بخش رابطه پیوند اجتماعی و ترس از جرم با یافته‌های استانکو<sup>۴</sup> (۲۰۱۴)، همتی (۱۳۸۸)، سراج‌زاده و گیلانی (۱۳۸۸) همخوانی

- 
1. Baumer.
  2. Ferraro.
  3. Foster, Giles and Knuiman,.
  4. Stanko

دارد. این پژوهش نشان داد که زنان به خاطر داشتن وضعیت جسمانی زنانه و آسیب‌پذیری فیزیکی هراس بیشتری از قربانی شدن دارند. این یافته‌ها با نتایج سلرز و آکر<sup>۱</sup> (۱۳۹۰)، عبداللهی، یوسفی مراغه (۱۳۹۱)، عسگری و زنجانی‌زاده اعزازی (۱۳۸۷)، علی‌خواه و ربیعی (۱۳۸۵)، فسایی و میرحسینی (۱۳۸۸)، دیزن (۲۰۱۱) و دانرد، وتر و مسلز (۲۰۰۵)، همخوانی دارد.

برابر نتایج این پژوهش، با احساس زوال امنیت اجتماعی، استرس فکری، جانی و مالی بیشتر شایع شده و زنان از این فضا بیشتر متأثر می‌شوند. این نتیجه با یافته‌های مطالعات همتی (۱۳۸۸)، لرنر (۱۳۸۸) و سراج‌زاده و گیلانی (۱۳۸۸) همخوانی دارد. برابر نتایج این پژوهش، هرچه جامعه از لحاظ اخلاقی دچار ابتدال شود، به‌نوعی فرهنگ اخلاقی آن دچار فرسایش شود، ترس از جرم نیز بیشتر شده و امنیت از جامعه رخت برمی‌بندد. این یافته با نتایج پژوهش دورکیم (۱۳۹۲)، احمدی و اسماعیلی (۱۳۸۹)، احمدی و عربی (۱۳۹۲) و عسگری و زنجانی (۱۳۸۷) همخوانی دارد. همچنین هرچه سطح اعتماد اجتماعی در زنان بیشتر شود، به همان میزان ترس از جرم در آن‌ها کاهش می‌یابد. این یافته با مطالعات سراج‌زاده و گیلانی (۱۳۸۸)، طاهرخانی (۱۳۸۱)، گیدنز (۱۳۸۳) و همتی (۱۳۸۸) همخوانی دارد. بر این اساس، هرچه زنان نسبت به جامعه و گروه‌ها بی‌اعتمادتر شوند، به همان اندازه خود را در جریان قربانی شدن تنها تلقی کرده و بیشتر هراس خواهند داشت، بنابراین ترس از جرم می‌تواند منجر به کاهش کیفیت زندگی اجتماعی شده و با تبدیل فضاهای عمومی شهری به مکان‌هایی خلوت و ناامن، باعث افزایش جرائم اجتماعی شود. به عبارتی در سطح محلی، ترس از جرم انسجام محله و مشارکت در انجمن‌های محلی و پیوندهای اجتماعی را کاهش می‌دهد و در سطح جامعه‌ای، وزن ترس از جرم ممکن است بیشتر بر دوش افرادی حمل شود که از حیث اجتماعی و اقتصادی دچار محرومیت بوده و برای محافظت از جان و مال خود یا مهاجرت از مناطق جرم‌خیز منابع لازم و کافی در اختیار

ندارند. ادغام اجتماعی هرچند ممکن است عامل پایه‌ای و مهم در تبیین ترس از جرم باشد، اما تقویت حس اعتماد بین همسایه‌ها و انسجام حول احساس تعهد به کنش به‌عنوان عاملان کنترل اجتماعی غیررسمی، در ایجاد یا بهبود محلات از نقش شایانی برخوردار است. پس ترس از جرم پدیده جوامع مدرن است که در کلان‌شهرها گسترده شده است. براساس نتایج این پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شوند:

- وجود ایستگاه‌های پلیسی سیار در اماکن پرتردد و افزایش روشنایی محله‌ها و خیابان‌های شهری؛
- تقویت عزت‌نفس و اعتماد به‌نفس زنان و آموزش دفاع شخصی برای افزایش قدرت در مقابله با جرائم؛
- آموزش سازوکارهای اجتماعی مقابله با جرائم و نحوه برخورد به هنگام قربانی شدن؛
- افزایش حضور زنان در فعالیتهای مدنی و جذب آنها در برنامه‌های انتظامی جامعه؛
- تشکیل دادگاه و کلانتری ویژه زنان و افزایش ضریب توانایی آنها در دفاع از حقوق خود؛
- شناسایی نقاط جرم‌خیز شهری، حذف نقاط کور در معابر عمومی، طراحی شهری با نظارت اجتماعی.

## منابع

- احدنژاد روش‌تر؛ غلامحسینی، محسن؛ شاهرخ‌زاد، رحیم و خواجه، ولی (۱۳۹۴). بررسی امنیت اجتماعی زنان در پیاده‌روهای پرتردد کلان‌شهرها. مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری. (۱)۲، ۵۸-۶۷.
- احمدی، حبیب و عربی، علی (۱۳۹۲). رابطه بین ساختار محله‌ای و ترس از جرم (مورد مطالعه: شهر کرج). فصلنامه انتظام اجتماعی. (۱)۵، ۳۷-۶۰.
- احمدی، حبیب؛ سروش، مریم و افراسیابی، حسین (۱۳۸۸). ترس از جرم در مناطق جرم‌خیز شهر شیراز. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی. (۲)۲۰، ۶۵-۸۰.

- احمدی، یعقوب و اسماعیلی، عطا (۱۳۸۹). سنجش احساس امنیت زنان مبتنی بر عوامل چندبعدی و میان‌رشته‌ای در شهر مشهد. جامعه‌شناسی کاربردی. ۲۱(۲)، ۱۶۹-۱۹۰.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۲). درس گفتارهایی درباره جامعه‌شناسی دورکیم و وبر. تهران: نشر علم.
- پاک‌نهاد، امیر (۱۳۹۲). احساس ناامنی و ترس از جرم. نشریه آموزه‌های حقوق کیفری. دانشگاه اسلامی رضوی. شماره ۵، ۲۱-۳۰.
- تامپسون، کنت (۱۳۸۸). امیل دورکیم. شهناز مسمی‌پرست (مترجم). تهران: نشر نی.
- دانش، پروانه و علی‌پور، پروین (۱۳۹۲). مطالعه عوامل مرتبط با احساس آنومی فردی در میان دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران). فصلنامه تحقیقات اجتماعی در ایران. ۲(۲)، ۲۰۳-۲۲۴.
- دورکیم، امیل (۱۳۹۲). درباره‌ی تقسیم کار اجتماعی. باقر پرهام (مترجم). تهران: نشر مرکز.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۱). لغت‌نامه فارسی دهخدا. تهران: چاپخانه دانشگاه تهران.
- ربانی، رسول و همتی، رضا (۱۳۸۷). تبیین جامعه‌شناختی ترس از جرم در بین شهروندان زنجان. مجله جامعه‌شناسی ایران. ۳(۲۴)، ۵۸-۸۸.
- ساروخانی، باقر و نویدنیا، منیژه (۱۳۸۵). امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران. فصلنامه علمی پژوهش رفاه اجتماعی. ۶(۲۲)، ۸۷-۱۰۷.
- سراج‌زاده، حسین و گیلانی، اشرف (۱۳۸۸). بی‌سازمانی اجتماعی و ترس از جرم. مطالعه مقایسه‌ای مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. ۴(۴)، ۲۲۳-۲۴۴.
- سلرز، کریستین و آکرز، رونالد (۱۳۹۰). نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، بی‌هنجاری و فشار. بهروز جوانمرد (مترجم). مجله تعالی حقوق. ۳(۱۲)، ۱۰۵-۱۴۷.
- سیموس، بریث ناچ (۱۳۸۷). جرم و مجازات از نظرگاه دورکیم. محمدجعفر ساعد (مترجم). تهران: انتشارات خرسندی.
- طاهرخانی، حبیب‌الله (۱۳۸۱). ایجاد فضای قابل دفاع شهری. مجله مدیریت شهری، شماره ۹، ۸۸-۹۹.

- عبداللهی، افشین و یوسفی‌مراغه، مهدی (۱۳۹۱). فصلنامه کارآگاه. ۵(۲)، ۱۵۲-۱۶۹.
- عسگری، علی و زنجانی‌زاده اعزازی، هما (۱۳۸۷). علت و پیامدهای ترس از جرم در بین زنان (مطالعه موردی: استان هرمزگان). فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران. ۲(۳)، ۱۱۸-۱۶۱.
- عشایری، طاهرا و عجمی، محمد (۱۳۹۳). ریشه‌یابی جامعه‌شناختی باورهای اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر قتل‌های ناموسی. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی. ۱۰(۳۷)، ۲۹-۵۴.
- عضدانلو، حمید (۱۳۹۲). آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی. تهران: نشر نی.
- علی‌خواه، فردین و ربیعی، مریم (۱۳۸۵). زنان و ترس از جرم در فضای شهری در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. ۳(۲۲)، ۱۰۹-۱۳۱.
- علیوردی‌نیا، اکبر و فهیمی، امین (۱۳۹۳). تعمیم‌پذیری جنسیتی نظریه پیوند اجتماعی در تبیین رفتارهای انحرافی دانشجویان دختر. فصلنامه تحقیقات اجتماعی در ایران. ۳(۱)، ۱۶۵-۱۹۱.
- فسایی، سهیلا و میرحسینی، زهرا (۱۳۸۸). پژوهشی با عنوان تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم در میان زنان تهران. نامه علوم اجتماعی. ۱۷(۳۶)، ۱۲۵-۱۵۲.
- گروسی، سعیده، میرزایی، جلال و شاهرخی، احسان (۱۳۸۶). بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت در بین دانشجویان دانشگاه آزاد جیرفت. فصلنامه دانش انتظامی. ۹(۲)، ۲۶-۳۹.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). چکیده آثار، ویراستار فیلیپ گسل. حسن چاوشیان (مترجم). تهران: نشر ققنوس.
- لرنی، منوچهر (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی امنیت. تهران: نشر رامین.
- مالمیر، مهدی (۱۳۸۸). مروری بر نظریه‌های جرم‌شناختی و جامعه‌شناختی پیشگیری از جرم براساس تقسیم‌بندی ون و یک و دوارد. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۷(۱۱)، ۱۴۹-۱۷۰.
- معین، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی معین، ج دوم. تهران: آراد.
- میری‌آشتیانی، الهام (۱۳۸۳). بحران امنیت اجتماعی در ایران. ماهنامه برداشت. ۳(۲۲)، ۲۱-۳۴.

- نیازی، محسن، نصرآبادی، محمد و عشایری، طاها (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: نشر سخنوران.
- همتی، رضا (۱۳۸۸). پلیس جامعه‌محور و نقش آن در کاهش احساس ناامنی. دانش انتظامی، ۹(۹)، ۱۳۱-۱۴۷.
- Bannister, J. & Fyfe, N (2001). Fear and the city. *Urban studies*. 38 (5-6).
- Baumer, T.L (1978). Research on fear of crime in the United States. *Victimology: An International Journal*. 3. 254-264.
- Bowman, C. G. (1993). Street harassment and the informal ghettoization of women. *Harvard Law Review*, 106, 517-580
- Dana. Haynie (1988). The Gender Gap in Fear of Crime, 1973-1994: A Methodological Approach. *Criminal Justice*: 29-50.
- Deason, Hannah (2011). Critical Analysis of Fear of Crime on College Campuses. Master of Arts Disertation. Arlington: The University of Texas.
- Donder, L. Verte, D. & Messelis, E. (2005). Fear of crime and the elderly: Key-factors that determine fear of crime among elderly people in West Flanders. *Ageing International*, 30, 363-376
- Ferguson, K. M. & Mindel, C. H (2007). Modeling Fear of Crime in DallasNeighborhoods: a Test of Social Capital Theory.
- Ferraro, K.F (1995). Fear of crime: Interpreting victimization risks. Albany. NY: SUNY Press.
- Foster, S. Giles, Corti, B. Knuiman, M (2010). Neighborhoods design and fear of crime, No.PP: 16, 1156-1165
- Garofalo, J. & Laub, J (1978). The Fear of Crime: Broadening our Perspective, *Victimology* 3, pp.242-253
- Goodey, J (2005). *Victims and Victimology: Research, Policy and Practice*. London: longman
- Hilinski, C.M (2009). Fear of crime among college students: A test of the shadow of sexual assault hypothesis. *American Journal of Criminal Justice*. 34, 84-102

- Hilinski, Carly M. Pentecost Neeson, Kindsey E. Andrews, Heather (2011). Explaining the Fear of Crime Among College Women, in their own Words, The Southwest Journal of Criminal Justice. Vol. 8 (1).
- Hindelang, M.J. Gottfredson, M.R. & Garofalo, J (1978). Victims of personal crime: An empirical foundation for a theory of personal victimization. Cambridge, MA: Ballinger
- Jeferson, Nadera. (2002). fear of crime in the Ermanian quarter of Jerusalem. p11-23.
- Kahe, A ( eee iiiii      llllll    lllllll    llll    llll  
Volume Tehran: Gole Poneh Press.
- Keane, C (1995). Victimization and fear: Assessing the role of offender and offence. Canadian Journal of Criminology, 37, 431-455.
- Kelly, L (1988). Surviving Sexual Violence. Cambridge: Polity Press
- Madriz, E (1997). Nothing Bad Happens to Good Girls: Fear of mmmnWWW' sssss sssssssssssssssss ssCCCCCrrrrrr rrrr
- Mason, S. (2014). Victim Service. Capacity Fund Project Final Report. Kairos WWT. Available online.
- Pain, Rachal (2000). place, social relation and the fear of crime. A review progress in human geography.
- Parker, K.D. & Ray, M.C (1990). Fear of crime: An assessment of related factors. Sociological Spectrum, 10, 29-40.
- Reid, L.W. & Konrad, M (2004). The gender gap in fear: Assessing the interactive effects of gender and perceived risk on fear of crime. Sociological Spectrum. 24, 399-425.
- Reno, V.P. and Lavery, J (2009). Economic Crisis Fuels Support for Relationship Between Perception of Disorder. Fear of Crime. Collective Efficacy and Perception of crime, Doctora of Philosophy Dissertation University of Maryland. Scienceann.sagepub.com.
- Rosewarne. Lauren (2005). The mens gallery. Outdoor advertising and publicspace: Gender, fear and feminism. Department of Political Science. University of Melbourne. Victoria. Womens Studies International Forum 28. www.elsevier



- Stanko, Elizabeth (1990). *Everyday Violence: How Women and Men Experience Sexual and Physical Danger*. London: Pandora.
- Stanko, Elizabeth (2014). *Gender, Fear and Risk*. In: *Encyclopedia of Criminological Theory*. <http://dx.doi.org/10.4135/9781412959193>.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی